

The Study of the Validity and Reliability of the Gratitude Questionnaire -6 (GQ-6) in High School Students

بررسی روایی و پایایی پرسشنامه قدردانی در دانش آموزان دبیرستانی

Amir Ghamarani, PhD Student
Mohamad Bagher Kajbaf, PhD
Hamid Reza Oreyzi, PhD., Shole Amiri, PhD

امیر قمرانی^۱، دکتر محمد باقر کجباغ^۲،
دکتر حمیدرضا عریضی^۳، دکتر شعله امیری^۴

تاریخ پذیرش: ۸۹/۳/۲۶

تاریخ بازنگری: ۸۹/۳/۵

تاریخ دریافت: ۸۹/۱/۲۱

Abstract

The aim of this research was to study the validity and reliability of the Gratitude Questionnaire -6 (GQ-6, Emmons, McCullough & Tsang, 2002) in a sample of high school students (100 girls and 100 boys) in Birjand. The validity of the questionnaire were evaluated with content validity, item analysis (item - total correlations), convergent validity and factor analysis. The reliability of the mentioned questionnaire, studied through: test-retest, Cronbach's Alpha, and split - half reliability. The results indicated that the scale had satisfied item analysis, convergent validity, internal consistency, test-retest and split-half reliability. Factor analysis yielded one general factor. Taken together, the results of this study indicated that the GQ-6 possesses good psychometric qualities for use in Iran.

Keywords:

gratitude, validity, reliability.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی روایی و پایایی پرسشنامه قدردانی - ۶ (GQ-6 مک کالوک و همکاران، ۲۰۰۲) در گروهی از دانش آموزان دبیرستانی (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) شهر بیرجند بود. برای بررسی روایی پرسشنامه از روشهای روایی محتوا، همبستگی گویه ها بانمره کل (تحلیل مواد)، روایی همگرا و تحلیل عوامل استفاده شد. پایایی پرسشنامه یاد شده بوسیله روش های دو باره سنجی (باز آزمایی)، آلفای کرونباخ و پایایی تنصیفی بررسی گردید. یافته ها نشان داد که تحلیل مواد، روایی همگرا، همسانی درونی، پایایی دو باره سنجی و پایایی تنصیفی پرسشنامه در دانش آموزان دبیرستانی رضایت بخش بود. همچنین تحلیل عوامل حکایت از وجود یک عامل عمومی داشت. در مجموع، نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که پرسشنامه قدردانی از خصوصیات روان سنجی رضایت بخشی برای استفاده در دانش آموزان ایرانی برخوردار می باشد.

کلیدواژه‌ها:

قدردانی، روایی، پایایی

۱- (نویسنده پاسخگو) دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه اصفهان aghamarani@yahoo.com

۲- دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

۳- استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

۴- دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان



امید، خوشبینی، رضایت از زندگی، و سرزندگی^{۱۱} (مک کالوک و همکاران، ۲۰۰۲)، دیدگاه مثبت و قدر شناسانه فرد نسبت به زندگی (وود و همکاران، ۲۰۰۸) و رضایت از تجارب مدرسه‌ای (فروه، سفیک و ایمونز، ۲۰۰۸) دارد.

تنوع و اهمیت تاثیرات قدردانی، پژوهشگران مختلف را بر آن داشته تا نسبت به سنجش این سازه اقدام نمایند. در این راستا و براساس دیدگاه‌های موجود می‌توان دو رویکرد را در ارتباط با سنجش قدردانی از یکدیگر متمایز ساخت.

در رویکرد اول که همزمان با سالهای آغازین بررسی قدردانی در روانشناسی گسترش یافت، کمتر بر ارزیابی قدردانی بعنوان یک سازه منحصر به فرد و مجزا تاکید می‌شد و به جای آن سنجش قدردانی از طریق سایر مقیاس‌های مرتبط (نظیر؛ اسناد، معنویت، سبک‌های مقابله و ...) و یا با اضافه کردن یک پرسش به یک مقیاس شخصیتی صورت می‌گرفت (ایمونز، مک کالوک و تسانگ، ۲۰۰۳). این رویکرد قادر نبود بازنمایی دقیق و کاملی از قدردانی ارائه نماید (ایمونز و همکاران، ۲۰۰۳).

در رویکرد دوم که در سالهای اخیر گسترش یافته، کوشش‌هایی به منظور ساخت و اعتبارسازی یک مقیاس واقعی قدردانی^{۱۲} صورت گرفته است. فرض زیربنایی در این رویکرد آنست که قدردانی صرفنظر از دیگر سازه‌های مثبت، بعنوان یک سازه مجزا و منحصر به فرد، مطرح بوده که در صورت داشتن همبستگی با سایر سازه‌ها، قابل تقلیل و کاهش به آنها نیست (واتکینز، وودوارد، استونی و کلتس، ۲۰۰۳)؛ ایمونز و همکاران، ۲۰۰۳). این رویکرد درک بیشتری از گستره‌ی کامل رفتار فرد در قدردانی فراهم می‌نماید (مک کالوک و همکاران، ۲۰۰۲).

مک کالوک و همکاران (۲۰۰۲) با اقتباس از رویکرد مذکور، پرسشنامه قدردانی - فرم شش سوالی^{۱۳} GQ-6 را طراحی نمودند که تاکنون بعنوان معتبرترین

مقدمه

قدردانی (قدرشناسی)^۱ یکی از روزآمدترین و مطرح‌ترین سازه‌های روانشناسی مثبت است که به تازگی مورد توجه محققان قرار گرفته است (ایمونز و کرامپلر، ۲۰۰۰). قدردانی بعنوان یک هیجان، نگرش، فضیلت اخلاقی، عادت، صفت شخصیتی، یا یک پاسخ مقابله‌ای مفهوم سازی شده است (ایمونز و مک کالوک، ۲۰۰۳). قدردانی یک نوع هیجان است که معطوف به یک کارگزار بیرونی بوده و بعد از کمکی که بصورت ارزشمند و نوع دوستانه تفسیر شود، روی می‌دهد (وود، مالتبی، استوارت و جوزف، ۲۰۰۸). پترسون و سلیگمن (۲۰۰۴) از پژوهشگران مطرح روان‌شناسی مثبت، قدردانی را یک صفت (خصیصه، خصلت) می‌دانند که در طول زمان و موقعیت‌های گوناگون ثابت است. قدردانی صفتی (خصلتی)، تفاوت‌های فردی را در شدت و میزان تجربه افراد از هیجان قدردانی بازنمایی می‌کند (مک کالوک، ایمونز و تسانگ، ۲۰۰۲). از این مفهوم، تحت عنوان قدردانی سرشتی^۵ نیز یاد شده است (وود، مالتبی، ژیلت، لینلی و جوزف، ۲۰۰۸).

بررسی پیشینه تحقیقاتی قدردانی، حکایت از همبستگی و ارتباط قدردانی صفتی با برون‌گرایی^۶، توافق‌پذیری^۷، بازبودن^۸، با وجدان بودن^۹ (مک کالوک و همکاران، ۲۰۰۲)؛ مک کالوک و تسانگ و ایمونز، ۲۰۰۴)، بهزیستی^{۱۰} (آدلر و فاگلی، ۲۰۰۵)؛ مک کالوک و همکاران، ۲۰۰۴)، ارتباط متقابل و جامعه‌پسند (مک کالوک و همکاران، ۲۰۰۲)، دوستی و پیوندهای اجتماعی (ایمونز و مک کالوک، ۲۰۰۳)،

- 1 - Gratitude
- 2 - External Agency
- 3 - Altruistic
- 4 - Trait
- 5 - Dispositional Gratitude
- 6 - Extraversion
- 7 - Agreeableness
- 8 - Openness
- 9 - Conscientiousness
- 10- Well-being
- 11 - Vitality

12- Actual Gratitude Scale

13- The Gratitude Questionnaire-6(GQ-6)



در این مطالعه، نیز ساختار تک عاملی مقیاس، با استفاده از مدل معادلات ساختاری تایید شد.

مطالعه سوم مجدداً بر روی یک گروه دانشجوی (۱۵۶ نفر) با تکرار مقیاس های مطالعه اول و دوم (جهت احراز روایی همگرا) و بکارگیری دو مقیاس جدید شامل ۱- مقیاس مادیگرایی بلک^۶ (گر و بلک، ۱۹۹۰) و ۲- مقیاس حسادت سرشتی^۷ (اسمیت و همکاران، ۱۹۹۹) انجام شد. در این مطالعه ضرایب همبستگی بین قدردانی و مادیگرایی و قدردانی و حسادت به ترتیب ۰/۳۵ - و ۰/۳۹ - برآورد گردید که حکایت از روایی مقیاس داشت. همچنین ساختار تک عاملی مقیاس نیز با استفاده از مدل معادلات ساختاری تایید گردید.

مطالعه چهارم با استفاده از داده های سه مطالعه قبل و با هدف بررسی رابطه قدردانی با سازه های مرتبط با آن (نظیر؛ امید، خوش بینی، شادکامی، رضایت از زندگی، بخشش و...) در صورت کنترل نقش متغیرهای شخصیتی و مقبولیت (مطلوبیت) اجتماعی^۸ انجام شد. نتایج نشان داد که در صورت کنترل پنج عامل بزرگ شخصیت و متغیر مقبولیت اجتماعی، همچنان رابطه معنی دار میان قدردانی و سایر سازه های مرتبط، باقی می ماند.

علاوه بر پژوهش مزبور، بررسی ساختار عاملی، خدشه ناپذیری در برابر مقبولیت اجتماعی، همسانی درونی و همبستگی های وابسته به هم (مشترک) پرسشنامه قدردانی - فرم ۶ سوالی، با سایر پرسشنامه های سنجش قدردانی، در پژوهش وود و همکاران (۲۰۰۸) تایید شد.

در مجموع و بر اساس مطالعات فوق الذکر مشخص می شود که پرسشنامه قدردانی - فرم ۶ سوالی از کارایی لازم جهت سنجش قدردانی برخوردار می باشد لذا با توجه به جامعیت این مقیاس و همچنین بدلیل اینکه بر اساس

مقیاس سنجش قدردانی معرفی گردیده و در پژوهش های متعدد استفاده شده است (ایمونز و همکاران، ۲۰۰۳؛ وود و همکاران، ۲۰۰۸). مک کالوک و همکاران (۲۰۰۲) در چهار مطالعه جداگانه، کارایی پرسشنامه قدردانی را تایید نموده اند. در مطالعه اول که به منظور طراحی فرم اولیه پرسشنامه قدردانی انجام شد، محققین ۳۹ عبارت مثبت و منفی را به منظور ارزیابی بیان و تجربه قدردانی در زندگی روزانه افراد تدوین و بر روی نمونه ای مشتمل بر ۲۳۸ دانشجوی کارشناسی (۵۷ مرد، ۱۷۴ زن و ۷ مورد با جنسیت نامشخص) اجرا نمودند. تحلیل عاملی اکتشافی روی ۳۹ گویه مقیاس مؤید وجود یک عامل بزرگ با ارزش ویژه بالاتر از یک بود. در بین سوالات تنها ۶ گویه دارای بار عاملی بالا در عامل اصلی بودند و لذا بقیه سوالات حذف شدند و فرم نهایی مقیاس با ۶ گویه طراحی شد. سپس روایی ساختار تک عاملی مقیاس ۶ سوالی، با استفاده از مدل معادلات ساختاری با روش بیشینه برآورد احتمال تایید شد. در این مطالعه، ضریب آلفای کرونباخ مقیاس نیز ۰/۸۲ برآورد گردید. علاوه بر این، روایی همگرایی مقیاس با مقیاس های امید صفتی THS (اشنایدر و همکاران، ۱۹۹۱)، خوشبینی (پرسشنامه جهت گیری به زندگی)^۹ LOT (شی پرو کارور، ۱۹۸۵)، رضایت از زندگی SWLS (دینر و همکاران، ۱۹۸۵)، سرزندگی (ریان و فردریک، ۱۹۹۷)، شادکامی ذهنی^۴ SHS (لیوبومیرسکی و لیپر، ۱۹۹۰)، عواطف مثبت و منفی^۵ PANAS (واتسن، کلارک و تلیجن، ۱۹۹۸) و اضطراب، افسردگی و روان نژندگرایی مطلوب احراز گردید.

در مطالعه دوم که با استفاده از یک گروه نمونه غیر دانشجوی و نسبتاً بزرگ شامل ۱۲۲۸ نفر زن و مرد با دامنه سنی ۱۸ تا ۷۵ سال صورت پذیرفت. روایی همگرا و روایی همزمان مقیاس مطلوب برآورد گردید.

- 1- The Trait Hope Scale (THS)
- 2- Life Orientation Test (LOT)
- 3- Satisfaction With Life Scale (SWLS)
- 4- Subjective Happiness Scale
- 5- Positive and Negative Affect Scale

- 6- Belk Materialism Scale
- 7- Dispositional Envy Scale
- 8- Social Desirability



ابزار پژوهش

در این پژوهش سه ابزار (یک ابزار اصلی و دو ابزار جهت احراز روایی ابزاری اصلی) استفاده شد.

۱- پرسشنامه قدردانی - فرم ۶ سوالی:

پرسشنامه قدردانی - فرم ۶ سوالی GQ-6، توسط مک کالوک و همکاران (۲۰۰۲) طراحی شده است و مشتمل بر ۶ گویه می باشد که بصورت ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) نمره گذاری می شود. ۲ گویه از سوالات این مقیاس (گویه های شماره ۳ و ۶) بصورت معکوس نمره گذاری می شوند. هر گویه، میزان و شدت قدردانی را که فرد تجربه می کند، اندازه می گیرد. (برای مثال: "من قدردان گروه وسیعی از مردم هستم" یا "چیزهای زیادی در زندگی دارم که باید قدردان آنها باشم"). این پرسشنامه یک مقیاس خودگزارشی و تک بعدی است که قدردانی صفتی را در گروه های سنی نوجوان تا بزرگسال (دامنه سنی ۱۱ تا ۷۵ سال) ارزیابی می کند. دامنه نمرات افراد در پرسشنامه بین ۶ تا ۴۲ متغیر بوده و نمره بالاتر، سطوح بالاتر قدردانی را منعکس می کند. این پرسشنامه محدودیت زمانی ندارد و بطور متوسط در ۵ دقیقه قابل اجرا می باشد (مک کالوک و همکاران، ۲۰۰۲).

در پژوهش حاضر، پس از ترجمه مقیاس توسط محقق و ترجمه معکوس توسط دو نفر از دانشجویان دکتری زبان انگلیسی، ترجمه فارسی مقیاس با اخذ نظر از اساتید روان شناسی تهیه شد. سپس به منظور کسب اطمینان از ترجمه مقیاس، یک مطالعه مقدماتی بر روی ۲۰ نفر از اعضای گروه نمونه انجام و موارد و گویه های مبهم مقیاس شناسایی و رفع گردید. بدین سان فرم نهایی مقیاس تدوین شد.

۲- مقیاس امید صفتی:

مقیاس امید صفتی THS، توسط اشنایدر و

جستجوهای انجام شده پرسشنامه مذکور یا پرسشنامه ای معادل این پرسشنامه در داخل کشور یافت نشده است، بررسی روایی و پایایی پرسشنامه قدردانی کانون هدف این مطالعه قرار گرفت. همچنین به مقایسه نمرات دختران و پسران در پرسشنامه قدردانی به عنوان هدف فرعی توجه شد.

روش

این پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی بود که با هدف اعتباریابی آزمون انجام شد. برای پژوهش های توصیفی نمونه ای به حجم حداقل ۱۰۰ نفر و در مطالعات همبستگی حداقل حجم نمونه ۵۰ نفر برای بیان چگونگی رابطه ضرورت دارد (دلور، ۱۳۸۰). در هنجاریابی آزمون ها حجم نمونه مطلوب ۱۰۰ نفر یا بیشتر می باشد (سرای، ۱۳۷۶). از سوی دیگر، برای انجام تحلیل عاملی در صورتیکه تعداد نمونه ۱۰ تا ۲۰ برابر یا بیشتر از تعداد گزاره ها باشد کفایت می کند (هومن، ۱۳۸۱). جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دبیرستان های شهرستان بیرجند بودند. از جامعه مذکور و براساس معیارهای فوق الذکر، نمونه ای به حجم ۲۰۰ نفر (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) از سه پایه تحصیلی (اول، دوم و سوم) با دامنه سنی ۱۴ تا ۱۷ سال ($\chi^2 = 16/3$, $Sd = 2/46$) انتخاب شدند. روش نمونه گیری بصورت خوشه ای تصادفی چند مرحله ای، بود. بدین ترتیب که از بین دبیرستانهای دخترانه و پسرانه شهرستان بیرجند، چند دبیرستان دخترانه و پسرانه بصورت تصادفی از مناطق مختلف شهر به لحاظ وضعیت اقتصادی - اجتماعی انتخاب و سپس از هر دبیرستان چند کلاس (اول، دوم و سوم دبیرستان) بصورت تصادفی انتخاب و در مرحله آخر، دانش آموزان هر کلاس به عنوان نمونه نهایی پژوهش منظور شدند.



۳- پرسشنامه جهت گیری به زندگی:

پرسشنامه جهت گیری به زندگی LOT به منظور ارزیابی خوش بینی آزمودنیها، توسط شی پر و کارور (۱۹۸۵) به نقل از کجفاف، عریضی و خدابخشی، (۱۳۸۵) طراحی شده است. این مقیاس مشتمل بر ۸ گویه است که انتظاراتی را که افراد راجع به پیامدهای زندگی دارند، ارزیابی می کند. چهار سوال مقیاس با عبارات مثبت مانند (در زمان عدم اطمینان انتظار دارم بهترین نتیجه عایدم شود) و چهار سوال دیگر با عبارات منفی نظیر (هرگاه فکر کنم که اتفاق بدی برایم روی خواهد داد، همان اتفاق برایم روی خواهد داد)، تنظیم شده است. هنجاریابی و آماده سازی مقیاس برای استفاده در ایران، در پژوهش کجفاف و همکاران (۱۳۸۵) انجام شده است. در این پژوهش که بر روی تعداد ۱۲۰ نفر (۶۰ زن و ۶۰ مرد، با دامنه سنی (۲۰-۴۰ سال) از ساکنین شهر اصفهان انجام گردید، ضریب پایایی مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ، ۰/۷۴ و با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۸۷ محاسبه شد. علاوه بر این، روایی همزمان مقیاس با مقیاس افسردگی و خود تسلط یابی، به ترتیب ۰/۶۴۹- و ۰/۷۲۵ بدست آمد. نتایج تحلیل عاملی مقیاس نیز نشان داد که مقیاس خوش بینی از دو عامل شامل، امید به آینده و نگرش مثبت به وقایع، اشباع شده است.

یافته ها

برای تعیین روایی آزمون از چهار روش: ۱- روایی محتوا، ۲- همبستگی گویه ها با نمره کل (تحلیل مواد)، ۳- روایی همگرا و ۴- تحلیل عوامل استفاده شد.

روایی محتوایی پرسشنامه از طریق نظرخواهی از صاحب نظران و متخصصین روان شناسی و علوم تربیتی احراز شد. به منظور بررسی تحلیل مواد پرسشنامه، همبستگی بین نمرات آزمودنی ها در هر

همکاران در سال ۱۹۹۱ طراحی شده است. مقیاس مزبور تاکنون به زبانهای مختلف ترجمه و در کشورهای زیادی اجرا و اعتباریابی شده است. مقیاس امید صفتی شامل ۱۲ گویه است که از دو خرده آزمون شامل گذرگاه (مسیرها) و کارگزار تشکیل شده است. این مقیاس، در یک طیف ۸ گزینه ای از ۱ (کاملاً اشتباه) تا ۸ (کاملاً صحیح) نمره گذاری می شود. در این مقیاس، ۴ ماده (۲، ۹، ۱۰، ۱۲) برای سنجش کارگزار و ۴ ماده (۱، ۴، ۶، ۸) برای سنجش گذرگاه استفاده می شوند. ۴ ماده دیگر به منظور جلوگیری از حدس زدن آزمودنی طراحی شده اند و نمره ای به آنها تعلق نمی گیرد. اشنایدر و همکاران (۱۹۹۱) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس را با استفاده از شش نمونه از دانشجویان دانشگاه و دو نمونه از افرادی که درمانهای روان شناختی دریافت کرده بودند، بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۶ گزارش داده اند. ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس نیز پس از اجراء مجدد بعد از یک دوره زمانی ۱۰ هفته ای، ۰/۸۰ محاسبه شد. علاوه بر این، روایی همزمان مقیاس با مقیاسهای خوش بینی، انتظار برای دستیابی به هدف و عزت نفس، بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۰ برآورد گردید (اشنایدر و همکاران، ۱۹۹۱).

در ایران، روایی و پایایی مقیاس مزبور در پژوهش قمرانی و کجفاف (۲۰۰۹) با اجرای مقیاس بر روی ۱۵۰ نوجوان ۱۱ تا ۱۷ ساله بررسی شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که مقیاس از دو عامل کارگزار و گذرگاه اشباع شده است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس، ۰/۹۱ برآورد گردید. علاوه بر این، در پژوهش علاء الدینی، کجفاف و مولوی (۱۳۸۶) نیز ضریب آلفای کرونباخ مقیاس و همچنین روایی همزمان آن با مقیاسهای خوش بینی و عاطفه مثبت مطلوب احراز گردید.



جدول ۱- مقادیر KMO و آزمون کرویت بارتل

شاخص ها	دختران	پسران	کل نمونه
KMO	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۷۰
آزمون بارتل	۸۶۴/۴۳۶	۸۳۵/۲۰۱	۱۶۸۸/۸۷۳
سطح معنی داری	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱

هدف، ابتدا شاخص KMO که گویای کفایت نمونه گیری است و سپس آزمون کرویت بارتل که حکایت از معنی داری ماتریس همبستگی داده ها داشت، بررسی شد (جدول ۱). علاوه براین، استخراج عامل ها با روش بیشینه احتمال انجام شد چرا که روش بیشینه احتمال، محاسبه شاخص های برازندگی، آزمون معنادار بودن بارهای عاملی و همبستگی بین عامل ها را مشخص می نماید و از این رهگذر نسبت به روش مولفه های اصلی، برتر می باشد (هومن و عسکری، ۱۳۸۴). ملاک استخراج عوامل، شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بالاتر از ۱ بود.

نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه قدردانی، بر روی کل گروه نمونه، دانش آموزان دختر و دانش آموزان پسر، نشان داد که ساختار عاملی پرسشنامه در هر سه گروه از الگوی یکسانی برخوردار است؛ بگونه ای که در هر سه گروه، نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه منجر به استخراج یک عامل عمومی بزرگتر از یک گردید، علاوه براین، مشخص شد که در همه گروه ها، کلیه گویه ها دارای بار عاملی قابل قبول (بالاتر از ۰/۴۰) می باشند و بدین ترتیب هیچ یک از گویه های مقیاس حذف نگردید. نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه قدردانی، بر روی کل گروه نمونه، دانش آموزان دختر و دانش آموزان پسر، در جدول ۲ ارائه شده است.

پایایی

به منظور مطالعه پایایی پرسشنامه روش های دوباره سنجی، همسانی درونی و پایایی تنصیفی استفاده شد. برای تعیین پایایی دوباره سنجی پرسشنامه، تعداد ۴۰ نفر آزمودنی به صورت تصادفی انتخاب و پس از ۲ هفته دوباره پرسشنامه را تکمیل کردند. بدین ترتیب ضریب پایایی دوباره سنجی ۰/۸۴ بدست آمد که در سطح $p=0/01$ معنی دار بود.

گویه و نمره آنها در کل پرسشنامه قدردانی محاسبه گردید. نتایج تحلیل مواد پرسشنامه نشان داد که ضرایب همبستگی گویه ها با نمره کل در تمام موارد معنی دار و بین ۰/۷۸ تا ۰/۹۴ متغیر بود. لذا در این مرحله هیچ یک از گویه ها حذف نشد. رویی همگرایی پرسشنامه قدردانی از طریق اجرای همزمان آن با مقیاس امید صفتی (THS) و مقیاس خوش بینی (LOT) بررسی شد. نتایج نشان داد که ضریب همبستگی بین پرسشنامه قدردانی با مقیاس امید صفتی ۰/۵۶ و با مقیاس خوش بینی ۰/۴۶ می باشد که ضرایب در سطح $p=0/01$ معنی دار بودند. به منظور انجام تحلیل عاملی پرسشنامه قدردانی از سه گروه شامل: ۱- کل گروه نمونه، ۲- دانش آموزان دختر و ۳- دانش آموزان پسر استفاده شد. هدف از انجام این کار، بررسی تغییرناپذیری ساختار عاملی پرسشنامه در گروه های جنسیتی بود. در راستای این

جدول ۲- نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه قدردانی بر روی کل گروه نمونه، دانش آموزان دختر و دانش آموزان پسر

شماره گویه	بار عاملی گویه ها با عامل اصلی		
	دختر	پسر	کل نمونه
۱	-۱/۸۳	-۱/۷۸	-۰/۸۰
۲	-۱/۸۶	-۱/۷۴	-۰/۸۱
۳	-۱/۶۰	-۱/۷۶	-۰/۶۷
۴	-۱/۵۲	-۱/۶۰	-۰/۵۵
۵	-۱/۸۱	-۱/۶۸	-۰/۷۸
۶	-۱/۷۱	-۰/۷۵	-۰/۷۲
مقدار ارزش ویژه	۱/۸۳	۱/۷۶	۱/۸۰
واریانس تبیین شده	۷۴/۳۷	۷۴/۰۹	۰/۷۵



ایمونز و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند که پرسشنامه قدردانی فرم ۶ سوالی، یک پرسشنامه صفت می باشد که ویژگیهای ثابت افراد (همانند ویژگیهای شخصیتی) را مورد سنجش قرار می دهد لذا در مقایسه با پرسشنامه های حالت، احتمال کمتری وجود دارد که تحت تاثیر ویژگیهای فرهنگی گروه نمونه قرار بگیرد. در همین راستا، پترسون و سلیگمن (۲۰۰۴) نیز معتقدند که قدردانی صفتی در طول زمان و موقعیت های گوناگون ثابت است.

از سوی دیگر، چن و کی (۲۰۰۸) در پژوهشی که با هدف بررسی رابطه ی بین قدردانی با بهزیستی ذهنی در بین ورزشکاران نوجوان چینی انجام دادند، دریافتند که بین قدردانی و رضایت از زندگی و رضایت تیمی، رابطه مثبت و معنی دار و بین قدردانی و فرسودگی ورزشی رابطه منفی وجود دارد. علاوه بر این در این پژوهش نسخه اصلی مقیاس قدردانی صفتی به زبان چینی برگردانده شد و روایی و پایایی و نتایج تحلیل عاملی آن مشابه با نسخه اصلی مقیاس برآورد گردید.

علاوه بر این، ساختار تک عاملی و ویژگیهای روانسنجی پرسشنامه قدردانی، در پژوهش شینا و کالامپوکی (۲۰۱۰)، که با هدف تاثیر قدردانی و غرور در ایجاد و تخریب روابط در نوجوانان و جوانان یونانی، انجام شد، مورد تایید قرار گرفت.

در مجموع تاکنون پرسشنامه قدردانی - فرم ۶ سوالی در کشورهای؛ آمریکا (مک کالوک و همکاران، ۲۰۰۲)، انگلستان (وود و همکاران، ۲۰۰۸)، چین (چن و کی، ۲۰۰۸)، یونان (شینا و کالامپوکی، ۲۰۱۰)، استرالیا (سیترا نیگیاس و رافائل، ۲۰۱۰) و تایوان (چن و تسای، ۲۰۱۰) بکارگرفته شده است و ویژگیهای روانسنجی مناسبی را نشان داده است.

اهمیت این یافته با عطف نظر به ویژگی های مناسب پرسشنامه قدردانی بیش از پیش آشکار می گردد چه آنکه GQ-6 یک پرسشنامه خود سنجی

بررسی همسانی درونی مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ محاسبه شد. ضریب پایایی تنصیف پرسشنامه قدردانی در پژوهش حاضر ۰/۹۱ برآورد گردید.

مقایسه نمرات دختران و پسران در قدر دانی

مقایسه میانگین نمرات دانش آموزان دختر و پسر در پرسشنامه قدردانی بوسیله آزمون t برای گروه های مستقل انجام شد. نتایج این تحلیل نشان داد که نمرات قدردانی دختران در مقایسه با پسران بطور معناداری بالاتر است $p=0/0001$ و $t=20/17$.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی روایی و پایایی پرسشنامه قدردانی - فرم ۶ سوالی (GQ-6) بر روی گروهی از دانش آموزان دبیرستانی صورت پذیرفت. در این بررسی از روشهای متفاوتی برای سنجش روایی و پایایی مقیاس مزبور استفاده شد. نتایج حاصله در خصوص روایی و پایایی این ابزار در ایران، با نتایج پژوهش مک کالوک و همکاران (۲۰۰۲) در رابطه با تعیین روایی و پایایی فرم اصلی مقیاس قابل قیاس بود و در سطح بسیار رضایت بخش و مطلوبی قرار داشت. همچنین نتایج تحلیل عاملی نشان داد که پرسشنامه از یک عامل کلی (مشابه با فرم اصلی) اشباع شده است و ساختار عاملی پرسشنامه در برابر تفاوت های جنسیتی باثبات می باشد. این یافته ها، دلالت بر روایی بین فرهنگی پرسشنامه قدردانی - فرم ۶ سوالی، نیز داشت. در تبیین این یافته و اینکه چرا ویژگیهای روانسنجی مقیاس در دو فرهنگ غربی و غیر غربی (فرهنگ ایرانی) یکسان می باشد، می توان به نتایج تحقیقات ایمونز، مک کالوک و تسانگ (۲۰۰۳)، پترسون و سلیگمن (۲۰۰۴)، چن و کی (۲۰۰۸)، شینا و کالامپوکی (۲۰۱۰)، سیترا نیگیاس و رافائل، (۲۰۱۰) و چن و تسای (۲۰۱۰) ارجاع داد.



نوجوانان توصیه می کنند. بر این اساس، پژوهش حاضر با فراهم ساختن شواهدی مبنی بر کارایی روانسنجی GQ-6 در گروهی از نوجوانان، می تواند به عنوان نقطه آغازی جهت انجام پژوهش های بیشتر در خصوص ابعاد و ویژگیهای قدردانی در جمعیت های ایرانی، مطرح باشد.

از دیگر یافته های پژوهش حاضر، برتری دختران در مقایسه با پسران در پرسشنامه قدردانی بود. این یافته با نتایج پژوهش فروه، یورکویز و کشدن (زیر چاپ) مبنی بر وجود تفاوت های جنسیتی در قدردانی همسو است. فروه و همکاران (زیر چاپ) دریافتند که زنان بیش از مردان احساسات قدرشناسانه را تجربه و بیان می کنند. در تبیین این یافته ها محققین معتقدند که مردان ممکن است تجربه و بیان قدردانی را بعنوان "تاییدی بر ضعف و ناتوانی خویش" قلمداد کنند که این نیز به نوبه ی خود ممکن است حالت های مردسالارانه و جایگاه اجتماعی آنها را تهدید نماید، لذا از بیان آن اجتناب می ورزند. بر این اساس به نظر می رسد که الگویی مشابه با الگوی فوق در خصوص پسران نوجوان ایرانی نیز صادق باشد که باعث تفاوت عملکرد آنها به لحاظ قدردانی در مقایسه با دختران شده است. صرف نظر از دلایل این تفاوت عملکرد، این یافته، تلویحی مشاوره ای نیز به همراه دارد چرا که با عطف نظر به تاثیرات فراوان قدردانی در جنبه های زندگی فرد، عملکرد پایین پسران در بیان و تجربه قدردانی، می تواند آنها را از دستیابی به مزایا و آثار بیشتر آن محروم سازد. بر این اساس برگزاری کلاس های آموزشی با محوریت بیان و تجربه احساسات قدرشناسانه برای نوجوانان؛ بویژه نوجوانان پسر از جمله پیشنهادات کاربردی پژوهش حاضر می باشد، چه آنکه اخیرا نیز اثربخشی مداخلات قدردانی در ایجاد رفتارهای قدرشناسانه تایید شده است (کیرگیز، ۲۰۰۷؛ لی، ۲۰۰۷).

است که با وجود تعداد گویه های کم، درک عمیق و جامعی از رفتارهای قدردانی فرد بدست می دهد و از ساختار عاملی بسیار قدرتمندی نیز برخوردار است. این ویژگی (ایجاز و کوتاهی پرسشنامه) در راستای تاکیدات متخصصین روانسنجی است که معتقدند کوتاه نمودن و مختصر کردن پرسشنامه ها در صورتیکه با حفظ روایی و پایایی آنها در سطح مطلوب صورت گیرد، موجب افزایش کارایی آن در زمینه های پژوهشی و بالینی شده و بر قوت و امتیازات آن می افزاید (آناستازی، ۱۹۸۲). چرا که پرسشنامه های طولانی معمولا محقق را در مرحله اجرا دچار مشکلاتی می کنند، چون بسیاری از آزمودنیها فاقد سطح انگیزشی و حوصله کافی جهت تکمیل و پاسخگویی به پرسشنامه های بلند هستند (راسل، پیولا و فرگوسن، ۱۹۷۸).

از دیگر ویژگیهای مناسب GQ-6 خدشه ناپذیری آن در برابر مقبولیت اجتماعی است. در این راستا، ماهر (۱۹۷۸) معتقد است که همه ی محققان نیاز دارند که گویه هایی جهت سنجش "گرایش به مقبولیت اجتماعی" در مقیاس های خودسنجی بگنجانند.

نتایج این پژوهش همچنین شواهدی در جهت تایید رویکردهای جدید و نوین سنجش قدردانی مبنی بر اینکه قدردانی سازه ای واقعی و منحصر به فرد است که قابل تقلیل به سایر سازه های مرتبط نیست (واتکینز و همکاران، ۲۰۰۳؛ ایمونز و همکاران، ۲۰۰۳)، فراهم نمود.

از سوی دیگر، فروه و همکاران (۲۰۰۸) با مرور تحقیقات انجام شده در خصوص قدردانی نتیجه گرفتند که پژوهش های انجام شده در زمینه قدردانی نوجوانان در مقایسه با کارهای قابل ملاحظه ای که جهت سنجش قدردانی بزرگسالان صورت گرفته، بسیار ناچیز است. لذا این محققین استفاده از GQ-6 را برای روشن ساختن ساز و کارهای قدردانی در



بینی و بررسی رابطه بین خوش بینی، خود تسلط یابی و افسردگی در شهر اصفهان. فصلنامه مطالعات روانشناختی، دوره ۲، شماره ۱ و ۲، ۶۸-۵۱.

هومن، حیدر علی. (۱۳۸۱). تحلیل داده های چند متغیری در پژوهش های رفتاری. تهران: پارسا.

هومن، حیدر علی؛ عسکری، علی. (۱۳۸۴). تحلیل عاملی: دشواری ها و تنگناهای آن. مجله روانشناسی و علوم تربیتی، ۳۵ (۲)، ۱-۲۰.

References

- Adler, M. G., & Fagley, N. S. (2005). Appreciation: Individual differences in finding value and meaning as a unique predictor of subjective well-being. *Journal of Personality*, 73, 79-114.
- Anastasi, A. (1982). "Psychological testing" . (5 th ed) . New York : MacMillan.
- Chen L. H. ,& Kee Y. H. (2008). Gratitude and adolescent athletes' well-being. *Social Indicator Research*. 89, 361-373.
- Chen,L.H., & Tsai, Y.M.(2010). Say thank you loudly: Ambivalence over emotional expression inhibit the beneficial effect of gratitude on happiness. Paper accepted in 5th European Conference on Positive Psychology, 23 - 26 June 2010, Copenhagen, Denmark.
- Citrangingtyas, T.,& Raphael, B. (2010). Optimism, gratitude, and "living life": Positive psychology in the 2003 Canberra bushfires and 2004 tsunami in Aceh. Paper accepted in 5th European Conference on Positive Psychology, 23 - 26 June 2010, Copenhagen, Denmark.
- Emmons, R. A., & Crumpler, C. A. (2000). Gratitude as a human strength: Appraising the evidence. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 19, 56-69.
- Emmons, R. A., & McCullough, M. E. (2003). Counting blessings versus burdens: An experimental investigation of gratitude and subjective well-being in daily life. *Journal of Personality and Social Psychology*, 84, 377-389.
- Emmons, R.A., McCullough, M.E., & Tsang, J. (2003). The measurement of gratitude. In S. Lopez & C.R. Snyder (Eds.), *Handbook of positive psychology assessment* (pp. 327-341).
- Froh, J.J.,Yurkewics, C., & Kashdan, T.b.(in press).Gratitude and subjective well being in early adolescence : Examining gender differences. *Journal of Adolescence*.

علاوه بر موارد فوق الذکر، پژوهش حاضر از محدودیت هایی به شرح زیر برخوردار بود:

در پژوهش حاضر، مقیاس قدردانی صفتی، بر روی نمونه ای متجانس (دانش آموزان دبیرستانی) انجام گردید از این رو امکان بررسی ویژگیهای روانسنجی مقیاس براساس عواملی نظیر سن، طبقه اقتصادی اجتماعی، ویژگیهای فرهنگی و گروه های بالینی و غیر بالینی، با محدودیت روبرو بود. همچنین جامعه آماری پژوهش محدود به دانش آموزان دبیرستانی شهر بیرجند بود لذا در تعمیم نتایج پژوهش به نوجوانان سایر مناطق باید جانب احتیاط را رعایت نمود.

در مجموع، نتایج حاصل از این پژوهش مؤید آنست که پرسشنامه قدردانی - فرم ۶ سوالی، از روایی و پایایی مطلوبی جهت استفاده در نوجوانان ایرانی برخوردار می باشد. تعیین روایی و پایایی مقیاس مزبور در سایر گروه های سنی، جمعیت های دانشجویی، بیماران مبتلا به اختلالات خلقی و هیجانی، دانش آموزان استثنایی و همچنین فراهم سازی رتبه های درصدی، نمرات استاندارد و نقاط برش پرسشنامه، از جمله مواردی است که در پرتو نتایج پژوهش های آتی میسر خواهد شد.

منابع فارسی

- دلاور، علی (۱۳۸۰). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: رشد.
- سرایبی، ح. (۱۳۷۶). مقدمه ای بر نمونه گیری در تحقیق. تهران: سمت.
- علاء الدینی، زهره، کجباف، محمدباقر، مولوی، حسین. (۱۳۸۶). بررسی اثربخشی امید درمانی گروهی بر میزان امید و سلامت روانی. فصلنامه پژوهش در سلامت روان شناختی، دوره اول، شماره چهارم، ۶۷-۷۶.
- کجباف، محمدباقر، عریضی، حمیدرضا، خدابخشی، مهدی. (۱۳۸۵). هنجاریابی، پایایی و روایی مقیاس خوش



Froh, J.J., Sefick, W.J., & Emmons, R.A. (2008). Counting blessing in early adolescents : An experimental study of gratitude and subjective well - being . *Journal of School Psychology*, 46, 213-233.

Ghamarani, A., & Kajbaf, M.B. (2009). Psychometric properties of Iranian - Trait Hope Scale(I-THS). Paper presented in 2nd Applied Positive Psychology Conference, (1-3 April, 2009), University of Warwick, UK.

Kirgiz, O.G. (2007). Effects of gratitude on subjective well- being ,self construal, and memory. Unpublished doctoral dissertation. American University, Washington, D.C.

Lee, W.T.W. (2007). Effects of grateful disposition, gender, and gratitude condition . Research Paper: City University of Hong - Kong.

Maher, B.A. (1978). A reader, s , writer, s and research reports in clinical psychology. *Journal of Counseling and Clinical Psychology*, 46, 835-838.

McCullough, M.E., Emmons, R.A., & Tsang, J. (2002). The grateful disposition: A conceptual and empirical topography. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 112-127.

McCullough, M.E., Tsang, J., & Emmons, R.A. (2004). Gratitude in intermediate affective terrain: Links of grateful moods to individual differences and daily emotional experience. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86, 295-309.

Peterson, C., & Seligman, M. E. P. (2004). Character strengths and virtues: A handbook and classification. Washington, DC: American Psychological Association.

Russell, D., Peulau, A., & Ferguson, M .L. (1978). Developing a measure of loneliness. *Journal of Personality Assessment*, 42, 290-294.

Schina, M.A., & Kalampoki, T. (2010). The importance of gratitude and pride in relationship building . Paper presented in 15th International Conference of The Association of Psychology and Psychiatry for Adult and Children (A.P.P.A.C), 4-7 May, 2010, Athens, Greece.

Snyder, C.R., Harris, c., Anderson, J.R., Hollevan, S.A., Irving, l.m., et al. (1991). The will and ways : Validation of an individual - differences measure of hope. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60, 570-585.

Wood, A.M., Maltby, J., Gillett, R., Linley, P.A., & Joseph, S. (2008). The role of gratitude in the development of social support, stress, and depression: Two longitudinal studies. *Journal of Research in Personality*, 42, 854-871.

Wood, A. M., Maltby, J., Stewart, N., & Joseph, S. (2008). Conceptualizing gratitude and appreciation as a unitary personality trait. *Personality and Individual Differences*, 44, 619-630.

